

مقاله

## پروژه حزب الله: جنگ بعدی، آخرین جنگ

نویسنده: امل سعد غریب (۱۷ آگوست ۲۰۰۹)  
برگردان: سیده طناز سعیدزاده

### ماهیت استراتژیک

تنها چند روز پس از ترور نفر اول استراتژی نظامی مقاومت، عماد مفتی در دمشق در ۱۷ فوریه ۲۰۰۸، سید حسن نصرالله تغییر الگو را عینیت بخشید. همان طور که توسط نصرالله شرح داده شد، مقاومت حزب الله فرایند تکاملی سه مرحله‌ای را پشت سر گذاشته است: الف- مقاومت مسلحانه خودجوش. ب- عمل نظامی مسلحانه متمرکز و سازماندهی شده. ج- مکتب جدید جنگ بی نظیر که به عنوان تلفیقی از ارتش منظم و رزمندگان چریکی عمل می‌کند. به نظر می‌رسد ظاهر حزب الله با این ترتیب تعادل ماهرانه‌ای بین استراتژی و تاکتیک جنگ و سلاح و سازماندهی نشان داد که نشانگر گرونی حزب الله از سازمان مقاومت به ارتش مقاومت است.

در سطح استراتژیک، مقاومت حزب الله از گروه کلاسیک چریکی در سال ۲۰۰۰- که اسرائیل را پس از یک جنگ فرسایشی طولانی، مجبور به عقب نشینی یک طرفه از جنوب لبنان کرد به نیروی جنگی شبه متعارف؛ که نیروهای اسرائیلی را از اشغال مجدد دبازمی داشت، تکامل یافته است. نصرالله سیر ترقی حزب الله از استراتژی استاندرد چریکی را با نشان دادن تمایز بین استراتژی‌های اساسی دوشیوه جنگ یاد شده شرح داده است.

همچنین در این راستا توسط مؤسسه دموکراسی آزاد در یاره مصیبت‌های لبنان منتشر شده است: هانم صغیه: انتخابات لبنان، بدون راه حل (۲۰ ژوئن ۲۰۰۵)، هازم صغیه: سوریه و لبنان، نگرانی آن در خانواده (۱۴ دسامبر ۲۰۰۵)، آلکس کلاشوف: لبنان: اتحاد در عین اختلاف (۱۷ ژوئیه ۲۰۰۶)، راجر اسکروتون: لبنان: چشم انداز گمشده (۲۰ ژوئیه ۲۰۰۶)، پاول راجرز: لبنان، جنگ ریشه می‌گیرد (۳ آگوست ۲۰۰۶)، زیدال علی: هر اتفاقی بیفتد، حزب الله قبلا برنده شده است (۱۰ آگوست ۲۰۰۶).

آغاز گسترش جنگ تلفیقی (Hybrid) در میان دولت‌ها و یا گروه‌های مخالف با آمریکا شود. برای کسانی که الگوی مقاومت حزب الله را قبول دارند، جنگ نامتعارف و سیله‌ای است برای به تعادل در آوردن عدم تعادل قدرت‌ها (۱). انتظار می‌رود که گروه‌ها و سازمان‌های مخالف آمریکا از جهت گیری متعارف تلفیقی حزب الله تقلید کنند و این در حالی است که دولت‌های دشمن از روش‌های نامتعارف آن اقتباس خواهند کرد.

در پاسخ به چنین چشم اندازی، در حال حاضر بسیاری از برنامه‌ریزان دفاعی در بنتاگون طرفداران تغییر موقعیت نظامی آمریکا را برای جنگ نامنظم و عملیات ضد شورش تشویق می‌کنند تا این استراتژی را رها کرده و بر روش‌های متعارف که تناسب بهتری در مقابله با تهدیدهای تلفیقی، پیش‌بینی شده دارد، مجدداً متمرکز شوند. بنابراین در حالی که ایالات متحده و اسرائیل مشغول هماهنگ کردن ارتش‌های متعارف خود برای رویارویی با تهدیدات نامتعارف بودند، حزب الله به‌طور مؤثری دکترین نظامی، تاکتیک‌ها و سلاح‌های خود را متعارف می‌کرد و از همان زمان به دنبال منظم کردن نیروهای مسلح خود بود.

### کارایی و عملکرد نظامی

حزب الله طی جنگ نشان داد که جنگ افزاری نامتعارف را دیگر نمی‌توان فقط با باز یکران سیاسی که روش‌های غیر متعارف را اتخاذ کرده‌اند شناخت بویژه که تفاوت قابل ملاحظه‌ای با روش‌های معمولی عملیاتی طرف مقابل دارند

جنبش حزب الله در لبنان از مقاومت در برابر اسرائیل در ژوئیه-آگوست ۲۰۰۶ به سلامت بیرون آمد. از آن زمان استراتژی‌اش به کلی عوض شده است: از یک سو زرادخانه و اسلحه‌سازی و فکر ایجاد یک تهدید بزرگتر برای دشمنان خود در جنوب و از سوی دیگر چهره‌ای قانونی از آزموه‌ترین نیروی غیردولتی در جهان.

یکی از اصلی‌ترین دروس‌های آموخته شده از مقاومت ژوئیه-آگوست ۲۰۰۶ این است که مفهوم مدرن جنگ نامتعارف، که در اواخر دهه ۱۹۹۰ در ایالات متحده پدیدار شد، در حال حاضر نیاز مبرمی به تجدید نظر دارد؛ کارایی و عملکرد نظامی حزب الله طی جنگ نشان داد که جنگ افزاری نامتعارف را دیگر نمی‌توان فقط با باز یکران سیاسی که روش‌های غیر متعارف را اتخاذ کرده‌اند شناخت بویژه که تفاوت قابل ملاحظه‌ای با روش‌های معمولی عملیاتی طرف مقابل دارند. امل سعد غریب دانشمند لبنانی الاصل و نویسنده کتاب «حزب الله: دین و سیاست» در سال ۲۰۰۱ است. کتاب در دست انتشار او «روابط ایران: اتحاد با سوریه، حزب الله و حماس» است. همچنین از امل سعد غریب توسط مؤسسه دموکراسی آزاد دو کتاب منتشر شده است: «داخلت مهلک و اشکتن در لبنان و فلسطین» (۶ آگوست ۲۰۰۷) و «معامله زندانی

بین اسرائیل و حزب الله» (۴ ژوئیه ۲۰۰۸)

سی و سه روز مقاومت نشان داد که حزب الله نه تنها هر جنگ چریکی را کامل کرده و ارتقا داده، بلکه حتی با عبور از الگوی جدید جنگ نیز توانسته روش‌های غیر سنتی متعارف را با شیوه معمول عملیات انجام شده توسط ارتش‌های کلاسیک در هم آمیزد. (۱)

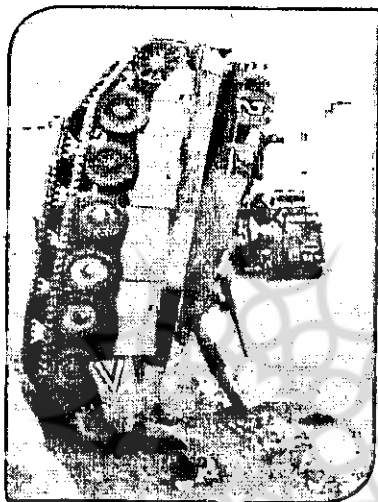
استراتژیست‌های نظامی آمریکایی در رأس کسانی قرار دارند که این طرح جدید نبرد را تحلیل می‌کنند. آنها سیم آن دارند که این طرح،

اسفند ۱۳۸۸ و فروردین ۱۳۸۹

هازم صغیه: جگړه نه اړو یایی هادست از حمایت لبنان برداشند (۱۴ آگوست ۲۰۰۶)، جهاد ن. فخر الدین: معمای لبنانی ها، قدرت در ضعف (۱۶ آگوست ۲۰۰۶)، پاول راجرز: تقوسنی از خرابه های لبنان (۱۷ آگوست ۲۰۰۶)، ندیم شهادی: زیو برادر مقابل س یتادل: نبرد برای لبنان (۲۲ آگوست ۲۰۰۶)، پاول راجرز: لبنان، جنگ پس از جنگ (۱۲ اکتبر ۲۰۰۶)، مای قوسوب: لبنان: برش هایی از زندگی (۳۱ اکتبر ۲۰۰۶)، آلکس کلاشو فر: دو چشم انداز آتی لبنان (۱۱ دسامبر ۲۰۰۶)، هازم صغیه: کشمکش های داخلی لبنان: دو منطق در نبرد (۱۹ دسامبر ۲۰۰۶)، مای قوسوب: بیسروت و تناقض: بررسی جایزه عکس مطبوعات جهانی (۱۳ فوریه ۲۰۰۷)، رابرت، جی، ریبیل: لبنان، سوریه و ایران: درس هایی از شرم الشیخ (۱۱ ژوئیه ۲۰۰۷)، زیدال علی: نرساری فلسطینی های لبنان (۱۹ ژوئیه ۲۰۰۷)، فرد هالیدی: لبنان، غزه و عراق: سه بحران (۲۲ ژوئیه ۲۰۰۷)، رابرت، جی، ریبیل: تقسیم شدن لبنان (۱۷ آگوست ۲۰۰۷)، ویکن چترین: لبنان: حافظه کوتاه، شکست سیستم (۲۵ سپتامبر ۲۰۰۷)، هازم صغیه: ترور رفیق حریری؛ چرا لبنان سوریه را مقصر می داند؟ (۲۱ فوریه ۲۰۰۸)، هازم صغیه: ۱۴ مارس لبنان: از اعتراض تاریخی (۱ آوریل ۲۰۰۸)، رابرت، جی، ریبیل: حزب الله و لبنان: مصیبت دولت (۲۱ اوت ۲۰۰۸)، زیدال علی: لبنان: شرح وقایع یک خود کشی نافر جام (۲۰ مه ۲۰۰۹)، رابرت، جی، ریبیل: لبنان در تقاطع (۲۰ ژوئیه ۲۰۰۹)، هازم صغیه: پیروزی الهی لبنان: سه سال بیایی (۲۰ جولای ۲۰۰۹)، میان مقاومتی که در برابر ارتشی منظم می جنگد و سرزمین را اشغال کرده و علیه آن عملیات نظامی راه می اندازد با یک جنگ فرسایشی چریکی و مقاومت که در مقابل تهاجمی که در صدد اشغال یک سرزمین می ایستد و نخست مانع اشغال می شود و سرانجام شکست را بر آن تحمیل می کند تفاوت وجود دارد. مقاومت، سرزمین را آزاد می کند، اما این وضعیت تازه ای برای مقاومت در جلوگیری از تهاجم دوباره علیه یک کشور است.

تا سال ۲۰۰۰ نگاه حزب الله نسبت به مقاومت در راستای استفاده متعارف بوده، یعنی یک نبرد آزادسازی عمومی ضد اشغال بیگانگان، که تنها مأموریت بیرون راندن اشغالگران را داشت. در مرحله پس از عقب نشینی که در سال ۲۰۰۰ شروع شد، حزب الله در کترین نظامی خود را از آزادسازی قلمرو به سوی تلاش برای باز داشتن اسرائیل از حمله به لبنان اصلاح کرد تا اگر این استراتژی شکست بخورد، از کشور در برابر حمله اسرائیل دفاع کند.

**سی و سه روز مقاومت نشان داد که حزب الله نه تنها هنر جنگ چریکی را کامل کرده و ارتقا داده، بلکه حتی با عبور از الگوی جدید جنگ نیز توانسته روش های «غیر سنتی» متعارف را با «شیوه معمول عملیات» انجام شده توسط ارتش های کلاسیک در هم آمیزد**



در نتیجه باز تعریف مفهوم مقاومت، مأموریت خود را به د کترین یا آیین و روش نظامی و یا بازسازی دفاع از خطه و یا قلمرو لبنان تبدیل کرد؛ نقشی که در گذشته به طور سنتی توسط نظامیان دولتی انجام می شد.

**ارتش تکنولوژیکی**

عقلانیت و یا منطق پنهان شده در پس استراتژی دوباره تعریف شده نظامی حزب الله این بود که «اسرائیل شکست و تحقیرش در ژوئن ۲۰۰۰ را تلافی خواهد کرد» زمانی که آزادسازی سرزمین جنوب لبنان به دست آمد عمداً مغتبه بلافاصله دست به کار شد و برای آماده سازی یک جنگ در شرف وقوع شب و روز زحمت کشید. گزارش های رسیده از افسران اسرائیلی این ادعا را اثبات و آشکار می کند که مقاومت خود را پیش از جنگ ۲۰۰۶ (به احتمال بسیار زیاد در آغاز سال ۲۰۰۰) آماده کرده بود. در این باره یکی از افسران زده بالای اسرائیلی اظهار کرده بود: «ما دشمنی را پیدا کردیم که مدت زمان زیادی برای جنگ آماده شده بود، بسیار مصمم، متخصص و هماهنگ، و این برخلاف آنچه بود که مادر غزه و کرانه غربی با آن رویه رو بودیم. ناظران نیروهای

موقت سازمان ملل در لبنان (Unifil) که به نظری توجه به ساختاری بودند که در پس جریان ها وجود داشت از آماده سازی حزب الله حیرت زده شدند، چنان که به وسیله یکی از افسر های این شد: «ما هرگز ندیدیم آنها چیزی بسازند، بنابراین آنها باید سیمان را با قاشق به داخل آورده باشند!»

در حالی که چنین برنامه ریزی و آمادگی پیشرفته ای منحصر به ارتش های کلاسیک نبوده، کار های دفاعی استادانه حزب الله نقاط مشترک بیشتری برای آماده سازی یک ارتش منظم، جهت سرکوب تهاجم به وجود آورده تا برنامه های گروه چریکی در حمله و جذب ضد حمله، شبکه طراحی شده پیچیده حزب الله برای پناهگاه های زیر زمینی به خوبی استوار و محل های پرتاب (موشک) مخفی شده بود (که توسط اسرائیل استوار طبیعت نامیده شد). سنگر های تقویت شده تیر اندازی و ارتباطات رخنه ناپذیر، زیر بنای قوی نظامی ای را تشکیل می داد که برای اهداف واضحی ساخته شده بود: حفظ یک مبارزه در دفاع مداوم.

تطابق حزب الله برای تاکتیک های متعارف و نامتعارف و سلاح ها و سازماندهی، باید درون چارچوب این استراتژی دفاع گسترده و درون محدودیت های تحمیل شده به وسیله طبیعت نامتعارف نزع، مشاهده شود. (۲) برخلاف استراتژی آزادسازی گذشته که از تاکتیک های استادان در چریکی برای خسته کردن دشمن طی یک دوره زمانی طولانی استفاده شده بود، استراتژی دفاعی متعارف پذیرفته شده حزب الله، باید به سرعت دنبال می شد تا پیش از اینکه فرصت اشغال را به آن بدهد به وسیله امکانات و منابع محدود که در اختیار بود یا تجاوز و مقابله کند. معادل عملیاتی آن این بود که حزب الله تنها مدت کوتاهی می تواند از وسایلی استفاده کند که ارتش های کلاسیک در تعقیب استراتژی های دفاعی به کار می بردند و باید از روش های نامتعارف که در اصل برای جنگ های فرسایشی یا قالب چریکی علیه نیروهای اشغالگر تدوین شده بود، استناد کند.

سطح تاکتیکی و قابلیت رؤیت کم، حزب الله را با دیگر نیروهای غیر منظم شریک می کند که به آن برای تعقیب اهداف استراتژیک خدمت می کردند. همچنین در پس ارد پای تدارکاتی که می توانست مورد حمله قرار گیرد، نیروهای مقاومت از تاکتیک های تلفیقی استفاده کردند و به این وسیله، آنها بعضی مناطق را تصرف کرده و اما بعضی دیگر را واگذار می کردند، به عبارتی ضد حمله در بعضی مناطق و عقب نشینی در مناطق دیگر، که این مسئله با

استفاد ۱۳۸۸ و فروردین ۱۳۸۹

جزئیات در گزارش نظامی ایالات متحده آمده است. از سوی دیگر مقاومت، نیروهای خود را به هسته یا سلول‌های تشکیلاتی پراکنده ساخت. کسانی که برای تاکتیک‌های رزم متحرک به کار گماشته شدند همراستا با دیگر بازیگران نظامی نامتعارف، دست به حمله غافلگیرانه زدند. همچنین تاکتیک‌هایی اتخاذ شد که معمولاً توسط ارتش‌های کلاسیک اجرامی شد. مبارزان حزب الله جنگ سرزمینی را برخلاف با حمله چریکی و جنگ و گریز انجام دادند به طوری که زمین‌هایشان را برای دوره طولانی نگه داشتند و از تسلیم قلمرو به نیروهای پیشرو اسرائیلی اجتناب کردند. افزون بر این با اینکه مبارزان مقاومت در جمعیت غیر نظامی جای داده شده بودند، همانند دیگر ارتش‌های نامنظم، از یکی شدن با آنان خودداری می‌کردند. شبیه آنچه گروه‌های چریکی انجام می‌دادند، مبارزان مقاومت مانند ارتش‌های کلاسیک یونیفورم نظامی بر تن کردند تا از غیر نظامی‌ها تمیز داده شوند و خود را در پناهگاه‌های زیرزمینی پنهان کردند.

ترکیب جنگ غیر کلاسیک با کلاسیک، در استفاده وسیع حزب الله از سلاح، منعکس شد. سلاح‌های ابتدایی که در دسترس بیشتر گروه‌های چریکی است با سیستم سلاح‌های پیشرفته ترکیب شد که حتی با بعضی از تجهیزات نظامی دولت‌ها رقابت می‌کرده، اما این در کنار هم قرار گرفتن قدیمی و مدرن، ساده نبود و نشان‌دهنده نقش مدیریت حزب الله در جنگ است. به طور واضح توانایی حزب الله در استفاده از سلاح‌های ابتدایی در جهت مزیت آنها بود و این در حالی بود که خلاقانه از سلاح‌های پیشرفته استفاده می‌کرد. (۵)

حزب الله به طور مؤثر با شلیک‌های روزانه غیر هدایت شده و موشک‌های کاتیوشا با برد کوتاه که از رهگیری توسط سپر موشکی پیشرفته اسرائیل فرار می‌کرد، در فلج کردن شمال اسرائیل موفق بود و گروه را قادر می‌ساخت تا استفاده استراتژیک بیشتری از سلاح‌های تاکتیکی استفاده نشده ببرد. جنبش حزب الله همچنین موشک‌های متعارف با برد متوسط را به سوی شهرک‌ها و شهرهای اسرائیل که پیشتر خارج از دسترس بود، پرتاب می‌کرد. هنوز جریان حمله غافلگیرانه حزب الله به ناو جنگی اسرائیل یا موشک‌های کروز ضد کشتی و هدایت شونده به وسیله رادار پرسش برانگیز است و احتمالاً نوع ایرانی ۸۰۲ چینی استفاده شده است. به موازات آن مقاومت، با تلفیق موشک‌ها، موشک‌های قدیمی ضد تانک هدایت شده به وسیله سیم ساخت

روسیه را مانند ای تی ۳ ساجر (AT-3 Sagger) ، Spandrela-Spigott AT۲-AT، متاورد پیشرفته تری چون AT-۱۲-AT، AT-۱۲-Korent، Metis-M۱۱۲RPG به کار برد در حقیقت مقاومت با این گونه مهمات ضد تانک با هدف گرفتن تانک‌ها، پرسنل، هر خانه، پناهگاه و وسایل نقلیه‌ای که به وسیله نیروی دفاعی اسرائیل (IDF) استفاده می‌شد، تعداد زیادی از اسرائیلی‌های راجروح می‌کرد. اینها توانایی‌های حزب الله در نبرد ارتش‌ها می‌دهد.

در زمینه جنگ الکترونیک نیز حزب الله، برتری تکنولوژیکی اسرائیل را به سادگی خنثی کرد تا شرایط مشخص شده توسط نصرالله را تأمین کند. حزب الله برای شبکه‌ها ارتباطی خود از خطوط ارتباطی فیبر اپتیک به جای سیم‌کابل‌های بی‌سیم پیشرفته استفاده و خود را از شنود اسرائیل مصون کرد. در این شیوه، جنبش حزب الله برای فریب دادن سیستم جنگ الکترونیک اسرائیل که آن را به رخ همه کشیده بود، بر نامرئی‌گری کرد و از سیستم کنترل و فرماندهی خود در تمام مدت جنگ محافظت کرد. در این زمان حزب الله قادر بود تا در ابزارهای جنگ الکترونیک اسرائیل با قابلیت‌های جمع آوری اطلاعات جاسوسی پیشرفته اش نفوذ کند. گذشته از هواپیماهای جاسوسی مرصاد ۱ که از فضای هوایی اسرائیل عبوری می‌کرد، جنبش حزب الله تا سال ۲۰۰۴، تکنولوژی مراقبتی دیگری را هم به دست آورد که شامل تجهیزات الکترونیک برای گوش کردن به مکالمات تلفن همراه، بین سران بازن ذخیره اسرائیل و خانواده‌هایشان بود. افزون بر این، با استفاده از سایر

**تا سال ۲۰۰۰ نگاه حزب الله نسبت به مقاومت در راستای استفاده متعارف بود، یعنی یک نبرد آزادسازی عمومی ضد اشغال بیگانگان، که تنها مأموریت بیرون راندن اشغالگران را داشت. در مرحله پس از عقب‌نشینی که در سال ۲۰۰۰ شروع شد، حزب الله دکتترین نظامی خود را از آزادسازی قلمرو به سوی تلاش برای بازداشتن اسرائیل از حمله به لبنان اصلاح کرد تا اگر این استراتژی شکست بخورد، از کشور در برابر حمله اسرائیل دفاع کند**

دستگاه‌ها و تکنیک‌ها، حزب الله ارتباطات بی‌سیم اسرائیل را رهگیری و رمزگشایی می‌کرد و قادر بود تا حرکت تانک‌های اسرائیلی را ردیابی کرده و گزارشات مربوط به تلفات و خطوط تدارکاتی آن را کنترل کند.

فشار اعمال شده روی اسرائیل توسط این نوآوری‌های تکنیکی، باعث معرفی شدن سیستم Trophy و Taps شده که از رادار برای دنبال کردن موشک‌هایی که می‌آیند استفاده کرد. در آگوست ۲۰۰۹ نصب آن روی آخرین نسل تانک‌های مرکاوا اسرائیلی که دچار صدماتی در جنگ ۲۰۰۶ شده بودند، شروع شد.

### دانشگاه مقاومت

به بیان تشکیلاتی، مقاومت حزب الله با وجود متعدد، از نیروهای نامنظم مشخص می‌شود به عنوان یک حرکت جامعه محور. درست مانند جنبشی که بر پایه اجتماع استوار باشد، نیروهای رزمنده حزب الله شامل هسته‌ای از ۱۰۰۰۰ نخبه حرفه‌ای و همچنین تعدادی تخمین ناپذیر از مردان روستایی بودند که به عنوان قوای ذخیره خدمت می‌کردند. ساختار نامتمرکز فرمان و کنترل که با سازمانی سری و از هر نظر نفوذناپذیر بودند داشت نمونه‌ای بارز از گروه‌های چریکی است، با وجود این که نظم محکم و هماهنگی قوی بین رزمندگان تأمین می‌شود، اما این مختص نیروهای مسلح متعارف است.

افزون بر این، تهدید نصرالله مبنی بر روانه کردن ده‌ها هزار رزمنده آموزش دیده و مجهز به سمت نیروهای اسرائیلی نشان از این داشت که آنها از راه زمینی حمله می‌کنند، با توجه به این قابلیت که حزب الله می‌تواند قوای ذخیره خود را به نیروهای جنگی حرفه‌ای تبدیل کند. گزارش‌ها از شروع به کار حزب الله برای هسریازگیری فراگیر و نهضت آموزش ماه‌ها پس از جنگ ۲۰۰۶، اعتبار چنین نتایجی را تأمین می‌کند.

اما با وجود موفقیت‌های اثبات شده این نوع جنگ، حزب الله عملکرد جنگی خود را از زیایی مجدد کرده و سعی نموده تا نقشه عملکرد اسرائیل برای جنگ‌های آتی را بر پایه ضعف‌های اخیر پیش‌بینی کند. استراتژی آینده جنبش حزب الله و تاکتیک‌ها با محاسباتی که به وسیله نصرالله اعلام شد، مقرر خواهد کرد: «ما همچنین از تجربه جنگ ژوئیه آموختیم و ارزیابی مورد نیاز را انجام دادیم و نقاط قوت و ضعف خود را به خوبی در برابر دشمن کشف و بر پایه آن عمل کردیم. آشکارا این تلاش مداوم برای بررسی دشمن با دقت زیاد است که حزب الله را از دیگر نیروهای موجود در منطقه که در گذشته درگیر نبرد با

اسرائیل بودند، متمایز ساخته است، به شیوه مستشرقین برای فهمیدن ذهن اعراب، حزب الله تلاش کرده تا در روان اسرائیلی ها و بورژوازه در قالب ذهنی نظامیانش نفوذ کند و از آن به عنوان وسیله ای برای مسلط شدن بر دشمن مکارش استفاده کند.

عامل دیگری که در موفقیت مدلل مقاومتی حزب الله مهم است، فرایند ارزیابی شخصی و سازگار شدن با شرایط و نیازهاست، به جای دل بستگی به استراتژی نظامی انعطاف ناپذیر مهم نیست که در گذشته چقدر موفق بوده است مقاومت همواره در حال وفق دادن دوباره با محیط نظامی و سیاست های در حال تغییر است، بنابراین اتخاذ اصول نظامی عملی حزب الله است که قدرت این حزب را رقم می زند.

این می تواند نمایانگر این مطلب باشد که مقاومت در استراتژی نظامی اش برای جنگ آینده تجدید نظر خواهد کرد و آن را از ساختار دفاعی محض به سمتی که تاحدی دفاعی و ضد حمله ای باشد، تغییر جهت می دهد. به دیگر بیان خط مشی ای که در اصل، دفاعی باقی بماند، اما توانایی حمله به آن تزیین شده باشد. به علاوه احتمال قوی ای وجود دارد که جنبش حزب الله، تاکتیک های جدیدی را برای بر آورد و تأمین اهداف گسترده تر استراتژیکی اش معرفی کند. این امکان به طور ضمنی توسط تهدید معروف نصرالله برای شروع یک شگفتی بزرگ در واقع جنگ اسرائیل در لبنان، اشاره شد.

بسیاری از شاهدان ابتدا فکر می کردند که شگفتی بزرگ نصرالله دستیابی مقاومت به موشک های ضد هوایی علیه اویمایها می تجاوزگر فضای هوایی لبنان است، در حالی که حزب الله در حال حاضر دارای ۷-۸ است و مسلح شده ۷-۸ پیشرفته تری را در ۲۰۰۲ به دست آورده است. بسیاری از گزارش ها در ۲۰۰۸ دوباره دست می حزب الله به سیستم موشکی دفاع هوایی متحرک پیشرفته ۷-۸ خبر می دهد. با این وجود اگر چه در صورت حقیقی بودن این گزارش ها این جنبش از موشک های سام (SAM) پیشرفته استفاده خواهد کرد، اما جای تردید است که بر اساس آنچه نصرالله عنوان می کرد این موشک ها برای هدف قرار دادن هواپیماهای اسرائیلی باشد.

یک نظریه محتمل این است که شگفتی حزب الله در تطابق مقاومت با استراتژی جدید نظامی و تاکتیک ها اشاره می کند، چنان که با تهدید بعدی اش به اسرائیل پیشنهاد می دهد: «ارتش دشمنان ما (اسرائیل) روشی بی نظیر از نبرد راه وسیله رزمندگان دلیر قوی و از جان گذشته مقاومت در میدان نبرد شاهد خواهند بود، چیزی که آنها هرگز از زمان استقرار ماهیت غاصبشان ندیده اند.» در واکنش

**سید حسن نصرالله در ۲۰۰۶ جنبش هیج گونه هدف نظامی ای طرح نکرد به جز اینکه از لبنان در برابر تجاوز اسرائیل دفاع کند و از اشغال قلمرو توسط دشمنش جلوگیری کند، همین طور حزب الله آنگاه که دشمن پیروزی او را انکار می کرد می توانست با تکیه بر تاکتیک موفقش پیروزی خود را اعلام کند، اما این جنبش در مرحله بعدی نبرد، اهداف استراتژیک بالایی را در نظر گرفته و اعلام کرد، یک «پیروزی قطعی» همراه با درگیری گسترده منطقه ای به دست خواهد آورد**

به اصول معروف به ضاحیه (۲) توسط نظر به پرداز و گادی ایزنکوت (Gadi Elzenkot) رئیس فرماندهی شمالی نیروی دفاعی اسرائیل، نصرالله با بازنگری عبارت پیروزی برای تل آویو به جای ضاحیه برای تل آویو به مبارزه استحکام بخشید.

تاکتیک های پیش بینی شده توسط نصرالله می تواند شامل حمله به قلمرو اسرائیل باشد، آن گونه که یکی از مبارزان مقاومت در گفت و گو با نیکولاس بلاتفورد (Nicholas Blanford)، روزنامه نگار پیشنهاد داد: «یکی از فرماندهان در جنوب لبنان گفت که حزب الله جنگی دفاعی در ۲۰۰۶ انجام داد، در مرحله بعد، ما در حالتی تهاجمی خواهیم بود و به طور کلی یک جنگ متفاوت، روی خواهد داد. جواد (یک مبارز محلی) می گوید که در جنگ بعدی بیشتر در اسرائیل مبارزه انجام خواهد شد تا در لبنان. نظر بسیاری از جنگجویان این است که حزب الله برای حمله کماندو ها برنامه ریزی می کند.

به هر حال این ملاحظات می تواند به عنوان جنگ روانی تفسیر شود. مؤسسه دفاع اسرائیل خود را برای این سناریو که کماندوهای مقاوم تهاجمی از شمالی نفوذ کنند و اسرائیلی ها را بکشند، آماده کرده است.

**آخرین جنگ**

صرف نظر از اینکه کدام تکنیک به کار گرفته می شود، حزب الله باید مطمئن شود که آنها به تهدید نصرالله مبنی بر وارد ساختن ضربه ای کاری به اسرائیل عمل کرده اند. همان طور که توسط رهبر حزب الله در ۲۰۰۷ بر شمرده شد، شگفتی ای که او برای اسرائیل

نگه داشته، پتانسیل تغییر مسیر جنگ و سر نوشت منطقه را دارد و «پیروزی تاریخی و سر نوشت سازی تحقق می یابد. یک سال بعد نصرالله تکرار کرد که پیروزی آینده ما به وضوح قطعی است، به طوری که حزب الله پنج تقسیم بندی که ایسود بسا را ک تهدید کرده بود در لبنان اعمال می کند را در هم خواهد کوفت. مرحله نهایی مورد انتظار از پیامدهای جنگ گذشته با پیش بینی نصرالله از تخریب نهایی و کیان غاصب، مورد تأکید بیشتری قرار گرفت که از شکست پیش بینی شده اسرائیل ناشی می شود.

در اینجا مناسب است که سخنرانی پس از جنگ نصرالله را با اهداف اعلام شده از حزب الله طی جنگ ژوئیه - آگوست مقایسه کنیم: در ۲۰۰۶ جنبش هیج گونه هدف نظامی ای طرح نکرد به جز اینکه از لبنان در برابر تجاوز اسرائیل دفاع کند و از اشغال قلمرو توسط دشمنش جلوگیری کند، همین طور حزب الله آنگاه که دشمن پیروزی او را انکار می کرد می توانست با تکیه بر تاکتیک موفقش پیروزی خود را اعلام کند، اما این جنبش در مرحله بعدی نبرد، اهداف استراتژیک بالایی را در نظر گرفته و اعلام کرد یک «پیروزی قطعی» همراه با درگیری گسترده منطقه ای به دست خواهد آورد. حزب الله باید از دستیابی به پیروزی استراتژیک در نبرد بعدی با اسرائیل مطمئن شود. این پیروزی باید یکبار به پایان رسد. این حالت از «جنگ باز» (Open War) که بین دو دشمن وجود دارد، بیشتر به طور آشکارا بخشی کردن تهدید مداوم می است که اسرائیل برای منطقه مطرح می کند، از این رو هر گونه جنگ با اسرائیل در آینده ضرور و تأیید آخرین جنگ برای حزب الله باشد.

**پی نوشت:**

- ۱. فرانک هوفمان (Frank Hoffman) تهدیدهای آمیخته جسم دوباره و شخصیت شکل گرفته از درگیری مدرن، نک: گره های استراتژیک مؤسسه مطالعات استراتژیک ملی، آوریل ۲۰۰۹
- ۲. پاول راجرز (Paul Rogers) اندیشه نظامی جدید و قدیم آمریکا، ۲۳ ژوئیه ۲۰۰۹
- ۳. اندرو اکسام (Andrew Exum)، حزب الله در جنگ: یک ارزیابی نظامی، مؤسسه دانشنگن برای سیاست خار و نژد یک، کمرکز سیاست، سپتامبر ۲۰۰۶
- ۴. استیون بیسل و جف سوری فریدمن (Stephan Biddle & Jeffrey A. Friedman)، مبارزات ۲۰۰۶ لبنان و آینده جنگ: مفاهیم جهت سیاست دفاع و ارتش، مؤسسه مطالعات استراتژیک، کالج ارتش جنگی ایالات متحده، سپتامبر ۲۰۰۸
- شامل سعد حرب، چشم انداز حزب الله در ستیزهای اخیر [بوقوه کارکنی برای صلح بین المللی، هشتمین کنفرانس، ۲۷ اکتبر ۲۰۰۸]
- ۵. ضاحیه حاشیه چندی بیروت است که مرکز سکونت شیعیان، طبقات فقیر و طرفداران حزب الله است.

اسفند ۱۳۸۸ و فروردین ۱۳۸۹